

نگاهی به موانع و کاستی های توسعه تفکر پژوهشی در مدارس به عنوان بخشی از نظام آموزشی ایران

دکتر معصومه مطلق^۱، ایرج چرخچی^۲

چکیده

شناخت علمی از طریق پژوهش حاصل می شود و برای دستیابی به تولید علم و اندیشه ورزی می بایست به فعالیتهای تحقیقی و پژوهشی کارآمد مجهز بود. امروزه اقتصاد علمی در جهان به عنوان وسیله ای برای قدرت نمایی و نشانی از توسعه بافتگی خودنمایی می کند و توسعه تفکر پژوهشی یکی از شاخص های توسعه یافتگی کشورها محسوب می شود. بنابراین بودجه و هزینه زیادی را به امر تحقیق و پژوهش اختصاص می دهند و با نیاز سنجی معقول در صدد رفع نیازها بر می آیند. بدیهی است چنانچه تحقیق در تار و پود حیات اجتماعی جامعه ای رسوخ کند و ریشه ای به آن پرداخته شود در برنامه ریزی ها، هدف گذاری ها و اولویت بندی ها به تحقیق و پژوهش احساس نیاز می شود و هرگز مورد بی اعتنایی قرار نمی گیرد. اما در کشورهایی با توسعه پیرامونی نیازی به پژوهش به طور اصولی و اساسی دیده نمی شود بنابراین بدون ارتباط منطقی میان تحقیق و کاربردی و عملیاتی شدن آن نمی توان به توسعه علمی دست یافت.

در این مقاله تلاش شده است تا با استفاده از روش اسنادی به این پرسش پاسخ داده شود که جایگاه پژوهش و کاستی های تفکر پژوهشی در مدارس به عنوان بخشی از نظام آموزشی کشور چگونه است؟
مدرسه به عنوان یکی از عوامل اجتماعی شدن و همچنین مرکزی برای آماده سازی نسل فردا نقش عمده ای را می تواند ایفا کند اما شناخت کاستی ها و موانع پژوهش در مدارس تابعی از نظام اجتماعی ایران می باشد. بنابراین به بستر و حیات جامعه ایرانی و ساختار، ماهیت و کارکرد تحقیقات و تنگناهای و چالش های امر پژوهش نیز اشاره شده است و در نهایت راهکارهایی نیز ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: اجتماعی شدن، جامعه پذیری علمی، نظام آموزشی، توسعه پیرامونی، تحقیق و پژوهش، ساختار و کارکرد.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۲/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۸

۱- عضو هیات علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک (نویسنده مسئول)

masoum_motlaq@yahoo.com

۲- مدرس دانشگاه پیام نور واحد اسلام شهر

مقدمه

رشد و توسعه علمی از طریق پژوهش حاصل می شود و در پناه توسعه تفکر پژوهشی است که کشورها می توانند به جای مصرف اندیشه های دیگران به تولید علم و اندیشه ورزی بپردازند . آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهادهای اصلی جامعه در اجرای این مهم میتواند نقش عمده ای داشته باشد چراکه سیاستگذاری ها و برنامه ریزی هایی که در مدارس اعمال می شود نوع و نگرش علمی را پایه گذاری نموده و آینده علمی کشور را جهت می بخشد .

به منظور بررسی جایگاه تفکر پژوهشی و امر تحقیقات در مدارس و شناسایی چالشها و موانع پژوهشی در این زمینه ابتدا می بایست به پایگاه تحقیقات در ایران آشنا بود چراکه مدارس به عنوان بخشی از نظام آموزشی ایران عنصری مجزا و منحصر نمی باشد و تابعی از بستر و حیات اجتماعی کشور است. بنابراین در این مقاله تلاش شده است تا با رویکردی کلان نگر و جامع به تحلیل جامعه شناختی امر پژوهش پرداخته شود .

تحقیق و پژوهش بالندگی یک جامعه را ممکن می سازد. به نقل از خبرگزاری ایران در سال ۱۳۸۴ سالانه بطور متوسط به ازای هر محقق در جهان ۱۰۰ هزار دلار سرمایه گذاری می شود که این رقم در آمریکا ۲۰۰ هزار دلار و در ایران تنها ۷۵۰۰ دلار است.

با بررسی تفاوت ها و شباهت ها میان جایگاه تحقیقات در ایران و کشورهای دیگر میتوان به طور جامع تر به بررسی وضعیت تحقیق و پژوهش در جامعه پرداخت. امروزه با رشد سریع فناوری و تکنولوژی در کشورهای پیشرفته بر سنجد ه تر و دقیق تر شدن امر تحقیق و پژوهش نیز افزوده شده است، در حالیکه کشورهای پیرامونی از جمله ایران بطور جدی به جایگاه تحقیقات نمی پردازند.

بدیهی است که امر پژوهش در ایران از جایگاهی در خور توجه همچون کشورهای پیشرفته برخوردار نمی باشد. بودجه کافی به آن اختصاص داده نمی شود و مورد بکار گیری بهینه قرار نمی گیرد اما برآستی مشکل آن را در کجا و چگونه می توان جستجو نمود؟ امروزه بیش از گذشته، دانایی مقدمه ای نیرومند بر توانایی است و زیربنای توسعه کشورها دانایی محور شدن اقتصاد و رشد دانش فنی می باشد. البته بدون مطالعات نظری و بررسی آراء صاحب نظران و همچنین مقایسه کشورهای کانون و پیرامون نمی توان به نتایج جامع و معقولی در این زمینه دست یافت .

طرح مساله

برای آنکه بتوان به بررسی وضعیت تحقیقات در مدارس ایران پرداخت باید آن را در فضایی کلان و سیستمی نگاه کرد تا استنباط جامعی از آن ممکن شود. بنابراین باید تلاش شود تا ضمن درک رابطه تحقیق و شناخت علمی و هم چنین انباشت دانش بشری از طریق تحقیقات علمی به جایگاه و پایگاه تحقیقات در برنامه ریزی توسعه و آگاه سازی انسانها و هدایت آنها به سوی زندگی بهینه و مطلوب مورد بررسی قرار گیرد .

قریب به یک سوم جمعیت کشور را دانش آموزان و کادر نظام آموزشی تشکیل می دهند. قابلیت چنین جمعیتی که به عنوان نیروی انسانی فعال می تواند در جهت رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی، سیاسی تاثیرگذار باشد بر هیچکس پوشیده نیست. بنابراین چنانچه خروجی های این مجموعه با روحیه پژوهشگری و اندیشه ورزی فرم و رشد یافته باشند در توسعه کشور سهم بسزایی را عهده دار خواهند شد. در ابتدا پرسش آغازین حاکی این مطلب است که آیا می توان جایگاه و کاستی توسعه تفکر پژوهشی را در مدارس باز شناخت؟ به منظور پاسخ به این سؤال یادآوری این نکته ضروری می نماید که مدارس به عنوان زیر مجموعه های نظام آموزش و پرورش تحت پوشش نظام اجتماعی ایران قرار می گیرند، علت کم رنگی پژوهش در مدارس نیاز به مسئله یابی در این خصوص را ضروری می سازد چراکه عدم نیاز و نابوری به نقش حیاتی تحقیقات مهمترین مسله برای بررسی می باشد بنابراین ابتدا باید از موانع و تنگناهای تفکر پژوهش در جامعه آگاهی یافت چراکه مدارس نیز متأثر از این کلیت می باشند.

کشور ایران از جمله کشورهای پیرامونی به شمار می آید که نسبت به تحقیقات غفلت و بی توجهی نشان داده است. تبعات چنین رویدادی، مدیریت جامعه را با بحرانهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بی اعتمادی مردم نسبت به مدیریت اجتماعی و بالعکس مواجه ساخته و یا می سازد. از این رو تلاش دست اندر کاران و مدیریت جامعه با حداقل بهره دهی و بهره وری مواجه بوده است. علت این واقعیت ناگوار را باید در بستر حیات اجتماعی و روند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران، یعنی در ماهیت و کارکرد سیستم اجتماعی ایران جست (سیف اللهی، ۱۳۷۴، صص ۱۹۱-۱۸۹).

به نقل از سایت آفتاب، آمار نشان می دهد که ایران به ازای هر یک میلیون نفر ۳۴۸ محقق دارد و از نظر سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی ۳۱٪ برای تحقیق اختصاص یافته در حالیکه در

کشورهای پیشرفته ۳ هزار نفر به ازای هر یک میلیون نفر و ۰.۴٪ تولید ناخالص ملی برای تحقیقات منظور شده است.

اهداف تحقیق

- مطالعه نقش پژوهش در مدارس و بررسی موانع و کاستی های تفکر پژوهشی.
- آگاهی از جایگاه و پایگاه تحقیقات در کشور های کانون و پیرامون به ویژه ایران.
- آگاهی از زمینه ها، فرآیند، موانع و تنگنا های تحقیقات در ایران.
- بررسی جامعه پذیری علمی در مدارس به عنوان بخشی از نظام آموزشی و علمی
- ارائه راهکارهای بهینه برای رشد و توسعه تحقیقات در کشور و بهره یابی مطلوب از دستاوردهای آن در جهت دستیابی به توسعه انسانی و پایدار.

پرسش ها

- تحقیقات در مدارس به عنوان بخشی از جامعه ایران از چه پایگاهی برخوردار هستند؟
- روند، فرآیند، ساختار، کارکرد و عملکرد تحقیقات در ایران چگونه بوده است؟
- آیا رابطه ای میان پایگاه تحقیق و نوع توسعه وجود دارد؟
- آیا رابطه ای میان تولید علم و قدرت جوامع وجود دارد؟
- تحقیقات برای توسعه و گسترش با چه موانع و تنگنایی روبرو هستند؟ و چه راهکاری در این زمینه قابل طرح است؟

فرضیه های تحقیق

- در ایران بر اساس نیازها و ضرورت ها به امر تحقیقات پرداخته نمی شود.
- مبتنی بر تحقیقات طرح ریزی های کلان و برنامه ریزی های راهبردی صورت نمی گیرد.
- جامعه پذیری دانش آموزان مبتنی بر پژوهش محوری نمی باشد.
- توزیع قدرت تابع تولید علم در جامعه انسانی می باشد.

روش تحقیق

در این مقاله از مطالعه روش اسنادی بهره گرفته شده است.

مبانی نظری تحقیق

میشل فوکو معتقد است که حقیقت بیرون از قدرت یا فاقد قدرت نیست. "حقیقت، به رغم اسطوره ای که تاریخ و کارکردهایش را باید بازنگری کرد، نه پاداش نفوس آزاد است و نه فرزند انزواهای طولانی، و نه امتیاز کسانی که توانسته اند خود را رهایی بخشند. حقیقت چیزی این جهانی است؛ و در این جهان، به یمن شکل های مختلف اجبار تولید می شود، و تاثیرهای قاعده مند قدرت را حفظ می کند" (فوکو، ۱۳۸۱، ص ۳۹۳).

دانش نیز از مفاهیم کلیدی در نظریات فوکو به شمار می آید، بطوریکه دیرین شناسی دانش را بسیار عقلانی و ریشه دار در تاریخ دانش به حساب می آورد و هدف او از این بررسی، شناخت پیکره دانش، ایده ها و شیوه های استدلال آن است.

بدین ترتیب که در تبار شناسی قدرت نیز فوکو می خواهد بداند که چگونه مردم خود و دیگران را به کمک دانش خود درک می کنند. به رغم وی این دانش است که قدرت را بوجود می آورد و برای اثبات این ادعا به بررسی و تجزیه و تحلیل سلسله مراتب دانش می پردازد و نتیجه می گیرد که چون علوم در بالاترین رده سلسله مراتب دانش قرار می گیرند، لذا از بیشترین یا بالاترین حد یا میزان قدرت نیز برخوردارند. به عقیده فوکو انواع فنون و ابزار قدرت و تکنولوژی از دانش (به خصوص دانش علمی) ریشه و مایه می گیرند، ولی البته بین دانش و قدرت همواره نوعی رابطه عمدتاً ساختاری وجود دارد. ماهیت این نوع قدرت باید در تمامی سطوح خرد جامعه مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار بگیرد: در سطح خانواده، مدارس، دبیرستانها، دانشگاهها، بیمارستانها، کارخانجات و تمامی دیگر اشکال نهادینه و سازمان یافته موجود در سطح کل جامعه. تنها از طریق یک بررسی همه جانبه از قدرت و گستره اجتماعی-سیاسی که در پس آن نهفته است، می توان به راهبردی عاری از سلطه، اجبار و خشونت دست یافت (نوذری، ۱۳۷۹، صص ۲۴۰-۲۳۷). نظریه دیگر که بسیار مهم نیز می باشد رویکرد امانوئل والرشتاین درباره نظام جهانی می باشد که مطرح میکند که یک اقتصاد جهانی کاپیتالیستی از قرن شانزدهم وجود داشته است. از آن پس این سیستم تعداد فزاینده ای از جوامع قبلاً کم و بیش منزوی و خودکفا را در نظام پیچیده ای از روابط کارکردی ادغام نمود. این فرایند گسترش دارای دو بعد بود: وسعت از نظر جغرافیایی و تعمیق اقتصادی-اجتماعی، تعداد کوچکی از دولتهای مرکزی پهنه و عرصه خارجی عظیمی را

تبدیل به یک پیرامون و حاشیه نمودند. نظریه پردازان نظام جهانی بین این دولتهای مرکز پیرامون و نیمه پیرامون ها را شناسایی میکنند که نقش کلیدی در کارکرد سیستم ایفا می کنند.

این قطب بندی بر یک تقسیم کار جهانی دلالت داشت که در آن کشورهای مرکز نقش تولیدکنندگان صنعتی را بر عهده داشتند. نظام جهانی سیستمی اجتماعی است که طبق نظر والرشتاین، با این واقعیت مشخص میشود که الگوی حرکتی آن داخلی می باشد: آنچه یک نظام اجتماعی را مشخص می سازد... این واقعیت است که زندگی در درون آن بطور وسیعی خود بنیاد است و الگوی حرکتی توسعه آن بطور گسترده ای داخلی می باشد (هنته، ۱۳۸۱، ص ۴۵).

مسئله کشورهای مرکز یا کانون تأثیر بسزایی در تصمیم گیری ها و سیاستهای راهبردی کشورها بطور مستقیم و غیر مستقیم ایفا می کنند و هر چه از مرکز یا کانون دورتر و به سمت پیرامون نزدیکتر می شویم از تولیدکنندگی کاسته و بر مصرف گرائی افزوده می شود و این در همه چیز مصداق عینی پیدا می کند بطوریکه در تولید علم و پایگاه تحقیقات نیز به وضوح نمایان می شود.

از آنجاییکه دانایی عین توانایی است، با شناخت علمی که از راه تحقیق حاصل می شود، جوامع به توانایی و قدرت دست پیدا می کنند و در این زمینه، اقتصاد علمی، خودکفا شده و از حالت مصرفی خارج می شوند بنابراین در جریان جهانی حرکتی پایدار و متوازن را پیش می گیرند.

قرار گرفتن در مدار توسعه یافتگی و برخورداری از توسعه اقتصادی - اجتماعی موزون و درون زا موجب ارتقای پایگاه تحقیقات می شود و میزان توسعه یافتگی پژوهش، تولید علم و دانش را موجب می شود، تا جاییکه توزیع قدرت نیز در جوامع تابع توزیع دانش و تولید علم در آنها می باشد.

بنابراین به جامعه پذیری علمی و کارآمد و برخاسته از نیاز جامعه خو می کنند و در نحوه اجتماعی شدن نیز به آن توجهی مطلوب نشان می دهند.

در جوامع پیرامونی چون ایران علت توسعه نیافتگی پژوهش به طور عام و تحقیقات اجتماعی به طور خاص را باید در ساختار و کارکرد نظام اقتصادی - اجتماعی و ارکان و عناصر بنیادین آنها جستجو نمود بدیهی است که غفلت از آنها می تواند پژوهش را به بیراهه بکشاند و مسئله ای

اجتماعی را رقم زند که علاوه بر موارد فوق ناشی از توزیع دانش و قدرت و متاثر از نظام جهانی می باشد .

نگاهی بر وضعیت و موقعیت تحقیقات در ایران

تحقیقات بطور عام و تحقیقات اجتماعی بطور خاص موجب شکوفایی و بالندگی جامعه و فضای اجتماعی فرهنگی می شود. این در حالی است که کشور هایی که از لحاظ توسعه یافتگی در شرایط پیرامونی قرار دارند با معیار ها و اصول بنیادین امر پژوهش احساس بیگانگی دارند ولی با این وجود در تلاش هستند تا نمایش علمی را تا حد امکان جلوه گر باشند. اما کشور های توسعه یافته و کانون نسبت به امر تحقیق و پژوهش بسیار جدی و مصمم پیش می روند و آن را جز جدایی ناپذیر حیات اجتماعی خود می دانند. تولید علم امروزه از شاخص های مهم توسعه یافتگی به حساب می آید بنابر این کشور ها ناگزیرند تا به واحد تحقیقات خود بهای بیشتری بدهند نگاهی بر وضعیت و موقعیت تحقیقات اجتماعی در ایران حاکی از این قضیه هست که تحقیقات سهم ناچیزی از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص می دهد بطوریکه «سالانه به طور متوسط سه دهم درصد از تولید ناخالص ملی به امور تحقیقی و پژوهش اختصاص می یابد» (سایت خبرگزاری ایران ۱۳۸۴، ص ۱).

علاوه بر این موضوع در برنامه های توسعه بطور کاربردی و بهینه به امر پژوهش پرداخته نمی شود. بر اساس اعلام وزارت علوم و تحقیقات، فقط ۱۰٪ از اعتبارات پژوهش کشور بطور هدفمند و سیاست گذاری شده هزینه می شود.

استفاده نادرست از بودجه تحقیقاتی کشور موجب پایین آمدن ارزش افزوده در کشور شده است. از طرف دیگر فقط از ۲۵٪ یعنی ۱/۴ توان متوسط تحقیقاتی کشور استفاده می شود و قابلیت های محققان ایرانی بلا استفاده می ماند.

کمبود سرمایه گذاری در بخش پژوهش و تحقیقات تقاضا محور، فقدان دانش بازار یابی در میان محققان و عدم تبیین جایگاه واقعی پژوهش بین مدیران ارشد دولتی و بخش خصوصی از موانع موجود در امر تحقیق است.

بر اساس پیش بینی ها در سال ۱۳۸۷ سهم تحقیقات کشور ۱/۸۷٪ تولید ناخالص داخلی کشور خواهد بود. با ادامه این روند سهم پژوهش در سال ۸۸ و در پایان برنامه چهارم توسعه به ۲/۵٪ تولید ناخالص داخلی خواهد رسید (خبرگزاری ایرنا ۱۳۸۶).

جایگاه جهانی و منطقه ای ایران در تولید علم

«ایران در تولید علم در منطقه جزء کشورهای موفق به شمار می آید و از نظر جایگاه تولید علم در رتبه دوم و سوم منطقه در این سالها قرار گرفته است و رشد تولید علم در ایران ۱۴٪ است. با این حال سهم ایران در تولید علم جهان نیم درصد و در تجارت الکترونیکی که از عرصه های جدید فناوری می باشد صفر است» (همان، ص ۵).

افزایش تولید علم بدون سرمایه گذاری هدفمند و برنامه ریزی منطقی و معتدل مبتنی بر شرایط نظام اجتماعی و جهانی امکان پذیر نمی تواند باشد. به عنوان نمونه می توان خاطر نشان کرد که سالانه سهم اندکی از تولید ناخالص ملی به پژوهش اختصاص داده می شود و مراکز آموزشی و دانشگاه ها که از اصلی ترین مکانهای تولید علم به شمار می آیند از مسیر اصلی خود که تحقیق و پژوهش است خارج شده اند. و به آموزش محوری روی آورده اند و به تحقیقات به عنوان یک امر لوکس و به صورت و یترینی پرداخته می شود.

دکتر محسن نراقی در این خصوص در گفتگویی با خبرگزاری می افزاید: ضمناً «بودجه هایی که برای بخش پژوهش تخصیص می یابد قسمت اعظم آن صرف قسمتهایی غیر از دانشگاه های کشور می شود و تنها ۲۰ تا ۲۵٪ بودجه هایی پژوهش به دانشگاه ها تزریق می شود بنابراین این محققان در دانشگاه های کشور با این کمبود مواجه هستند و نمی توانند کارهای پژوهشی را بدون دغدغه انجام دهند. از نظر نیروی در بخش پژوهش برترین اساتید و نخبگان را داریم اما متأسفانه به دلیل عدم جذب آنها در سیستم های دانشگاهی بسیاری از این افراد در جای دیگر مورد استفاده قرار می گیرند که با تخصص آنها ارتباطی ندارد» (جهانبخش، ۱۳۸۴، ص ۶).

از دیگر مواردی که در بررسی جایگاه پژوهش و تولید علم مورد توجه قرار میگیرد آمار و ارقامی است که به عنوان شاخص های کمی مد نظر قرار می گیرد، این قضیه نیز می تواند صرفاً به بالا بردن کمیت و تعداد مقالات و پژوهش های علمی منجر شود بدون اینکه محتوی و کیفیت آن بهبود بخشیده شود.

«آمار در ایران به یک سنت بروکراتیک در روند اداری تبدیل شده است. به عبارت بهتر آمار ابزاری است سنتی که مردان دولتی گویی از آن به عنوان جادو استفاده می کنند چراکه می توان همگان را در مقابل عملکرد یک نهاد با ارائه پاره ای آمارها فسخ کرد» (سماعی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱).

اگر چه ارائه آمار می تواند نشانگر فعالیت های صورت گرفته در حوزه علم و پژوهش باشد اما تولید عملاً صرفاً یک فرآیند عددی نیست و باید آن را با توجه به شاخص های دیگری سنجید .

به هر حال آمار به نشان می دهد که طی ۱۰ سال گذشته و گذر از بحران جنگ ما با یک رشد ۴۰۰ درصدی در حوزه تولید علم مواجه بوده ایم و اکنون با تولید چیزی حدود ۲۰۰۰ مقاله در سال سهم ما در تولید علم جهان نسبت به قبل افزایش یافته است (همان، ص ۲).

اگر چه تحقیقات اجتماعی آمار و تعداد بسیار کمتری را به نسبت حوزه های دیگر به خود اختصاص داده اند اما آنچه مهم است یا دآوری این نکته است که تنها با نگاه آماری نمی توان به بررسی وضعیت تولید علم در ایران و جایگاه تحقیقات و پژوهش پرداخت.

به عنوان نمونه روند ارتقای رشته شیمی در ایران و تولید استثنایی مقالات در این رشته (چیزی حدود ۳۵ درصد تولید علمی ایران) را نشان می دهد که مسیر حرکت ما بر خلاف مسیر مطلوب است یعنی اگرچه نفوذ معرفتی ما در رشته شیمی به مراتب بیشتر از دیگر رشته هاست با وجود این در شیمی هم تنها ۲۵٪ از کل مجلات جهان مورد استفاده پژوهشگران ایرانی (برای انتشار مقالات شان) قرار گرفته است بررسی ها در خصوص عملکرد جامعه علمی ایران نشان می دهد که جامعه علمی ما از نظر ترکیب معرفتی نسبت به ساختار معرفتی جهان، وضع نا هنجاری دارد، اما تحقیقی که در سال ۲۰۰۱ در باب ساختار معرفتی علم در ایران توسط برخی از اساتید دانشگاهی صورت گرفته نشان می دهد که: اولاً پیشرفت برخی رشته ها و عقب ماندگی برخی دیگر بر اثر تصمیم گیری آگاهانه مسئولان نبوده است و ثانیاً به رغم رشد چشم گیر رشته شیمی و پیش رفته بودن صنایع پتروشیمی در ایران هیچ پیوند بنیادین مستمر و تأثیر گذاری میان رشد شیمی و پیشرفت شیمی وجود ندارد (همان، ص ۳).

تحقیقات در کشور های کانون و پیرامون

کشور های توسعه یافته توانسته اند تحقیقات را در بستر و نظام اجتماعی خود بطور اصولی و بنیادین مد نظر قرار دهند بنابر این جز لاینفک زندگی اجتماعی آنها شده است. بنابراین آگاهانه در

این خصوص سرمایه گذاری بلند مدت و هدفمندی را ساماندهی می کنند. « کشور هایی که توسعه علمی در متن زندگی اجتماعی آنان حضوری فعال دارد، از یک متولی قوی پویا و مغز متفکر برخوردارند که متکفل سازماندهی فعالیت های مربوط به علم و فناوری است ... » نمونه هایی چون آژانس علوم و تکنولوژی (در سال ۱۹۵۶ تأسیس شد) و در آلمان وزارت آموزش، علوم، تحقیق و تکنولوژی این وظیفه سنگین ملی را بر عهده دارد.

این نهاد ها با سیاستگذاری پشتیبانی نظارت و هماهنگی و با محوریت عقل جمعی و انسان محوری توسعه علمی را به پیش می برد و آفاتی مانند پراکنده کاری، موازی کاری و اعمال سلیقه ها را می خشکانند (نوری دلویی، ۱۳۸۴، ص ۲).

در صورتیکه در کشور پیرامونی چون ایران فقدان یک متولی مشخص باعث نابسامانی امر پژوهش و تحقیق شده است .

همچنین نظارت پویا و هدفمند را نیز از آن می گیرد و منجر به کاهش کیفیت تحقیقات میشود. علاوه بر این از آنجایی که ساماندهی واحد تحقیقات صورت نمی گیرد پژوهش هایی کار آمدی نیز که انجام می شوند مبتلا به فراموشی می شوند و به صورت یک کالا برای نمایش سازمانها و نهاد ها تبدیل می شوند و کمتر به صورت کاربردی و عملیاتی در می آیند در عین حال بسیاری از تحقیقات نیز با اختصاص بودجه ای به اتمام می رسند که بر خاسته از نیاز سنجی و مبتنی بر ماهیت نظام اجتماعی ایران نمی باشد . دکتر نوری در آسیب شناسی توسعه علمی ایران می افزاید:

بر اساس نتایج برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۰۱ ایران از میان ۱۶۰ کشور جهان ، رتبه ۱۵۳ را داشته است. همچنین بر اساس گزارش اخیر توسعه انسانی «بر نامه عمران سازمان ملل » UNDP جایگاه ایران در " توسعه انسانی" در سال ۲۰۰۳ در جهان متأسفانه رتبه ۱۰۶ است. افزون بر اینها به رغم رشد کمی غیر اصولی دانشجویان هم اینک کمتر از ۱۰٪ شاغلان بخش دولتی تحصیلات دانشگاهی دارند در حالی که متوسط جهانی این شاخص بیش از ۲۵ درصد است و در بخش خصوصی این میزان حدود ۲/۲ درصد است . این آمار به روشنی تایید می کند که در عمل کمترین توجه به نقش دانشگاه در توسعه علمی کشور مبذول نمی شود (همان، ص ۳).

با توجه به این که تخصیص اعتبارات مناسب از شاخص های مهم توسعه علمی در کشور های توسعه یافته است در حالی که در کشور ما میزان اعتبارات پژوهشی بسیار اندک است.

این میزان در یکی دو سال گذشته رقمی حدود ۲۷/۰ تا ۴۲/۰ درصد از در آمد ناخالص ملی را تشکیل داده است که در مقایسه با کشورهای پیشرفته علمی بسیار ناچیز است. به طور نمونه این رقم در سال ۲۰۰۰ در کشورهای آلمان، آمریکا، ژاپن، کره جنوبی، پاکستان و هند به ترتیب ۳/۴، ۳/۷، بیش از ۲/۳۳، ۱ و ۹/۰ درصد بوده است. شایان تاکید است که بخش قابل توجهی از همین بودجه اندک پژوهشی در کشور یا صرف پژوهش نمی شود یا توزیع آن به شدت غیر عادلانه است یعنی سهم آموزش عالی نسبت به دیگر بخش ها حدود ۳۰ درصد است و توزیع درون بخشی آن نیز غیر عادلانه است. به علاوه بر مصرف آن نیز نظارت واقعی صورت نمی گیرد (نوری دلویی، ص ۳).

بررسی موانع و تنگناهای تحقیقات در ایران

احسان نراقی در بررسی تحقیقات اجتماعی در ایران معتقد است که عدم آشنایی با مباحث و روش های کمی، روش های پژوهشی، عدم آشنایی کنشگران دانش با فضای علمی و پژوهشی، کشور های توسعه یافته و عدم تعادل پویا میان پژوهشگران ایرانی با آنان، پیوند نخوردن نتایج و یافته های پژوهشی به دنیای برنامه ریزی اجتماعی، فرار مغزها، دخالت نهاد های قدرت و سیاست در فرآیند پژوهش، عدم ارتباط مدیران اجرایی با مراکز پژوهش و عدم استقبال آنان از ره آورد های پژوهشی (نراقی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۸).

منوچهر محسنی از دیگر جامعه شناسانی است که به امر تحقیقات پرداخته است. وی با پرداختن به موانع بین المللی پژوهش های اجتماعی از جمله زبان انتقال دانش، موانع عمده و بنیادی در پژوهش اجتماعی و فرهنگی در ایران را چنین خلاصه می کند:

- با توجه به اهمیت دانشگاه و نظام ارزشهای دانشگاهی - دانشگاه های ایران نتوانستند وسایل لازم و امکانات پژوهشی را برای تدارک مستمر پژوهشی در حوزه علوم اجتماعی فراهم نمایند.
- منابع تامین کننده اعتبار برای فعالیت های پژوهشی در حوزه پژوهش های اجتماعی بسیار متنوع است.

- ضعف ساختار پژوهش دانشگاه و مدیریت ناکارآمد در حوزه علم و پژوهش به خصوص پژوهش های اجتماعی موجب شده است که دانشگاه نقش و سهم موثری در تعیین اولویت های پژوهشی نداشته و مجری فعالیت های پژوهشی نیز نباشد. در این میان برقراری ارتباط و تعامل

پژوهشگران با سازمان های سفارش دهنده پژوهش فردی بوده و روابط جانشین ضوابط در انجام پروژه ها بوده است .

-ضعف جامعه پذیری علمی دانشگاه های ایرانی موجب شده است که مؤسسات آموزش عالی دانشجویان علوم اجتماعی را کمتر برای پژوهش آماده کنند.

-پژوهش های اجتماعی مسأله مدار نیستند و از دغدغه های پژوهشگر و انگیزه های او ناشی نمی شود و موضوع مدار هستند که سازمان و مؤسسات وابسته به دولت به عنوان بزرگترین سفارش دهنده طرح های پژوهشی موضوعات را مشخص می کنند.

-تعدد سازمانهای پژوهشی و قلت پژوهشگران نه تنها بیانگر فقر نیروی انسانی در پژوهش است بلکه نشانگر پراکندگی آنها است .

-مرکزیت شهر تهران در رهبری فعالیت های پژوهش علوم اجتماعی

-ضعف وسایل ارتباطی به خصوص مجلات تخصصی در انتقال یافته های پژوهشی از موانع دیگر محسوب می شود .

-ضعف محیط حرفه ای از مهم ترین موانع ، مشکلات توسعه پژوهش های اجتماعی در ایران است (محسنی و کوثری، ۱۳۷۸، صص ۳۲-۹).

سیف اللهی در بررسی پایگاه تحقیقات اجتماعی برنامه ریزی های توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران مطرح می نماید که کشور ما از آن دسته کشورهایی است که در گروه پیرامونی قرار می گیرند و در سطح نازل تری از توسعه اقتصادی - اجتماعی قرار دارند بنابراین تحقیقات اجتماعی نیز پایگاه ضعیفی در برنامه ریزی ها دارد .

وی معتقد است که علت این نابسامانی را باید در بستر حیات اجتماعی و روند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران ، یعنی در ماهیت و کارکرد سیستم اجتماعی ایران جستجو نمود. چرا که تا زمانی که در جامعه امکانات اولیه تحقیق (یعنی وجود بستر سالم در زمینه های نیروی انسانی کارآمد ، دستگاه های اجرایی ، برنامه ریزی و تحقیقاتی با بودجه و اعتبار مورد نیاز ، قوانین و مقررات راهگشا، ابزار و وسایل و واحدهای اطلاعاتی و...) مهیا نباشد، فعالیتهای تحقیقاتی به بار نخواهد نشست و از نتایج آن نیز آن گونه که باید و شاید استفاده بهینه به عمل نخواهد آمد.

مهم ترین موانع و تنگناهایی تحقیق در ایران شامل نهادی نشدن تحقیق، تفحص و تتبع، باور نداشتن به نقش تحقیقات اجتماعی در توسعه اقتصادی- اجتماعی و برنامه ریزی توسعه و وجود روابط شخصی و سلیقه ای در واگذاری تحقیقات به محققان و موسسات تحقیقاتی است. او در ادامه می افزاید که باید اذعان داشت که نهادی شدن و باور داشتن به نقش تحقیقات اجتماعی در راهبری و تدوین پروژه های عمرانی و واگذاری طرحهای تحقیقاتی به مجریان و محققان طبق ضوابط شخصی و مدون، به دو پیش زمینه بنیادی توسعه نیاز دارد:

الف) احساس ضرورت و نیاز به تحقیقات و مطالعات اجتماعی در راهبرد ها و برنامه ریزی های اجتماعی و عمرانی

ب) وجود فضای باز فرهنگی و اجتماعی برای مطالعات و تحقیقات اجتماعی، به گونه ای که اگر نتایج بر آمده از تحقیق جنبه انتقادی داشته و موافق منافع گروه های نیست، با سعه صدر و با دید واقع بینانه مورد امعان نظر قرار گیرد. چنین فضایی، زمینه را برای ارائه راه حل های واقع بینانه و علمی فراهم می سازد (سیف اللهی، ۱۳۷۴، صص ۱۹۲-۱۸۹).

- موانع بنیادی در بهره یابی از تحقیقات اجتماعی در برنامه ریزی های توسعه در ایران موانع و مشکلات تحقیقات اجتماعی و عدم امکان استفاده بهینه از آن در برنامه های اقتصادی- اجتماعی ایران را می توان از سه بعد مورد بررسی قرار داد:

۱- بعد اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و روانی موانع تحقیق در ایران

۲- بعد علمی

۳- بعد سازمانی، اداری و انسانی

رضا منصوری از دیگر فعالان در حوزه بررسی وضعیت تحقیق و پژوهش و موانع آن در ایران است که علاوه بر موانع سیاسی و دخالت نهاد قدرت و سیاست در حوزه علم و دانش و نفوذ آن بر نتایج و یافته های آن و فیلتر سیاسی در جمع آوری اطلاعات به موانع دیگری نیز می توان اشاره کرد:

۱- عقده پیشرفت: گسترش شیادی علمی در دوران اخیر در کشور ایران و علاقه زیاد به

مدرک گرایی افراطی ناشی از عقده پیشرفت یا عقده حقارت در مقابل کشور های پیشرفته است.

- ۲- واقع نگاری خیالی: خیال علمی شدن کشورمان موجب می شود که به خیالاتی دلخوش بوده و مدعی علمی و پژوهشگری شده و خیمه شبازی علمی به راه انداخته شود.
- ۳- کسب علم به جای کشف علم، عرف جامعه ما، علم را کسب کردنی می داند که حاصل این تفکر برای توسعه علمی و به خصوص پژوهشی زیانبار است.
- ۴- این تفکر که استاد خوب، استاد همه چیز دان است.
- ۵- الم و قلم و یا همان خاص گرایی دانش به جای عام گرایی آن
- ۶- دانش اندوزی به عنوان علم، ماهیت علم جدید و چگونگی رشد آن و نیز مدیریت علم و تحقیق بر جامعه ما ناشناخته است: (حضور المپیادی ها به معنای علمی شدن جامعه به حساب نمی آید).
- ۷- حاکمیت فرهنگ شفاهی به جای فرهنگ نوشتاری، نوشتن برای ما ارزش نیست بسیاری از یافته ها و تجربیات علمی جامعه به دلیل نوشته نشدن انتقال نیافته است.
- ۸- حاکمیت ارزش های فردی، عدم فرهنگ نقد، ریاست به جای مدیریت پژوهش و به تعبیر دیگر ناکارآمدی مدیریت علمی و پژوهشی فقدان دید و نگرش پویا و حاکمیت دید ایستا اعتقاد به ثروت ثابت و تقسیم پذیر و چندین مانع دیگر از جمله موانع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی جامعه ایران است (منصوری، ۱۳۸۴، صص ۹۷-۹۵).
- لهسایی زاده نیز به تنگناها و موانع پژوهش های اجتماعی بعد از انقلاب را به صورت ذیل مطرح می نماید:
- ۱- پژوهش های اجتماعی فاقد یک هدف ملی و یک پارچگی تحقیقاتی است و پژوهش ها به صورت انفرادی و غیر نظامند انجام می گیرد.
- ۲- پژوهش سازمان یافته نبوده و دارای استقلال نیست تا بتواند یک روحیه علمی بی طرفانه در پژوهشگر ایجاد کند و پژوهشگر در چارچوب سازمانی پژوهش نمی کند.
- ۳- جریان انتشارات دانشگاهی و پژوهش در مسائل اجتماعی خیلی کند و ناموقع است.
- ۴- وجود طرح و اجرای حق التدریس یکی از موانع پژوهش در پژوهشهای اجتماعی است.
- ۵- فرصت های مطالعاتی برای استادان و تحقیقات اجتماعی اندک است بنابر این محققان اجتماعی از منزلت پایین تری نسبت به بقیه محققان بر خوردارند.

ساختار تحقیقات در ایران

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد تحقیقات بطور عام و تحقیقات اجتماعی به طور خاص در برنامه ریزی های توسعه و تصمیم گیری های خرد و کلان جامعه ایران نه تنها جایگاهی همانند کشور های کانون را در اختیار ندارد بلکه از نارسایی و کاستی هایی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، روانی و تاریخی و بعد علمی و همچنین سازمانی، اداری و انسانی رنج می برد، که در قسمت های قبل به آن پرداخته شده است.

از لحاظ ساختاری می توان خاطر نشان کرد که برنامه های توسعه بر مبنای تحقیق و پژوهش صورت نمی گیرد و نیازی بدان احساس نمی شود. بنابراین بودجه کافی نیز به آن اختصاص داده نمی شود.

در مورد میزان بودجه پژوهش در برنامه های اول و دوم توسعه دکتر سیف اللهی می نویسد: «افزایش بودجه و اعتبارات تحقیقاتی اگرچه در طول برنامه اول ادامه داشت، اما افزایش آن در پایان برنامه دوم قابل توجه است. مقرر شده است میزان اعتبار تخصیص یافته به تحقیقات تا پایان برنامه دوم به ۲٪ از کل در آمد ناخالصی ملی برسد. این میزان تخصیص، اگر صرف تحقیقات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و عمرانی شود و نظارت عالی بر کم و کیف آن اعمال گردد. جهش فوق العاده ای را در روند گسترش «تحقیق و توسعه» در ایران در پی خواهد داشت» (سیف اللهی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۸).

بنابر این از لحاظ اقتصادی می توان خاطر نشان کرد که عدم تخصیص اعتبارات لازم به پژوهش و احساس بی نیازی به سرمایه گذاری کار آمد در این بخش، نابرابری در توزیع بودجه در حوزه های مختلف تحقیقاتی، ناهماهنگی در بخش بودجه تحقیق در استان ها و همچنین دستگاه های دولتی، عدم اختصاص بودجه پژوهش به بخش خصوصی باعث شده است تا تحقیقات از لحاظ اقتصادی با مشکل ساختاری در ایران مواجه باشند که خود موجب اقتصاد محور بودن پژوهش شده است. اقتصاد محور بودن پژوهش منجر به کمی گرایی در امر تحقیق و پژوهش نیز می شود بدین صورت که اعتبار و بودجه تحقیق و در آمد ناشی از آن مسأله و موضوع تحقیق را تحت الشعاع قرار می دهد و کیفیت و اصول علمی آن را راهبری می نماید و در نهایت نوع زندگی مبتنی بر اقتصاد مصرفی و عدم تولید کنندگی باعث شده است تا در حوزه علم نیز ضعیف بوده و روحیه مصرفی بیشتر حاکم باشد.

« فصل چهارم بخش اول برنامه چهارم توسعه به معقوله توسعه مبتنی بر دانایی پرداخته است. در ماده ۴۳ و در این فصل دولت موظف شده است تا با توجه به اهمیت نقش دانش و فناوری و مهارت به عنوان اصلی ترین عوامل ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد نوین، اقدامات زیر را بعمل آورد:

الف: نوسازی و باز سازی سیاستها و راهبرد های پژوهشی، فناوری، آموزشی به منظور توانایی پاسخگویی مراکز علمی پژوهشی و آموزشی کشور به تقاضاهای اجتماعی، فرهنگی و صنعتی و کار کردن در فضای رقابت فزاینده در عرصه جهانی.

ب: تهیه برنامه های جامع توسعه علوم و فناوری کشور.

ج: پیش بینی تمهیدات لازم به منظور بهره برداری حداکثر از ظرفیتهای ملی و منطقه ای حوزه های فناوری اطلاعات، فناوری زیستی و ریز فناوری، زیست محیطی و هسته ای.

د: باز نگری در ساختار و نوسازی فرآیندهای تحقیقات و آموزش علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگ، به منظور توسعه کیفی و حرفه ای شدن پژوهش در حوزه مذکور و ایجاد توانایی نظریه پردازی در حوزه های اجتماعی در سطح جهانی و پاسخگویی به نیاز های تصمیم سازی در دستگاه های اجرایی» (محنایی، ۱۳۸۴، صص ۴۲-۴۱).

شایان ذکر است که اشاره به دانایی در توانمند سازی کاملاً مقبول و مطلوب به نظر میرسد اما آنچه لازم به یاد آوری می نماید طرح این نکته است که تا زمانی که پژوهش یک متولی اصلی را که عهده دار امر تحقیق باشد به عنوان چتر حمایتی بر بالای سر خود نداشته باشد چگونه میتوان به ساماندهی آن امیدوار بود!

با این حال، برنامه ریزی برای ارتقای وضعیت علم و تحقیق در برنامه توسعه می تواند موجب بهبود پایگاه ایران در سطح منطقه و جهان باشد با توجه به شاخص هایی که امروزه بدان اهمیت زیادی داده می شود.

جدول شماره (۱) شاخص های فرهنگی ، پژوهشی و فناوری برنامه چهارم توسعه

ردیف	شاخص	وضع موجود	مطلوب
۱	شاخص دستیابی به فناوری	۲/۶	۴/۵
۲	شاخص توسعه آموزشی از (۱۰۰)	۷۸	۸۴
۳	درصد اعتبارات پژوهشی به تولید ناخالص ملی	۸۷	۲/۵
۴	تعداد دانشمندان و محققان شاغل در تحقیق و توسعه (به ازای هر میلیون نفر)	۳۳۶	۲۰۰۰
۵	تعداد جواز امتیاز علمی (به ازای هر میلیون نفر)	۱	۴
۶	درصد صادرات کالا های فناوری و پیشرفته به کل صادرات غیر نفتی	۲	۶
۷	درصد با سوادان ۶ ساله و بالاتر	۸۵/۵	۹۰
۸	تعداد عناوین کتابهای منتشر شده به ۱۰۰ هزار نفر جمعیت	۳۳/۷	۵۴/۹

اقتباس : فصلنامه آوای دنا ، ۱۳۸۴.

توجه به ماهیت و کارکرد سیستم اجتماعی و همچنین روند توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران می توان به ماهیت تحقیقات نیز پی برد.

نوع سیستم اجتماعی ایران آنچه را که فرهنگ پژوهش آن را می طلبد، در اختیار ندارد دولتی بودن تحقیقات جزء ماهیت آن به شمار می آید ، حضور مستقیم دولت خود موجب شکل گیری خود سانسوری در بین محققان به خصوص در حوزه علوم اجتماعی می شود بطوریکه دغدغه و انگیزش پژوهش و حتی مسأله تحقیق شدنی را تحت الشعاع قرار می دهد.

کارکرد تحقیقات در ایران

امر پژوهش باعث می شود تا نیاز سنجی مناسبی از وضعیت جامعه صورت گیرد و چنانچه برنامه های توسعه بر اساس تحقیق و پژوهش صورت گیرد می توان مطابق آن به اولویت بندی و هدف گذاری جهت رفع نیازها اقدام نمود.

با تشخیص درست مسأله می توان در جهت شناسایی معضلات اجتماعی و ارائه راهکار بهینه کمک بسزایی داشت .

- ایجاد اشتغال برای جوانان و دانش پژوهان جامعه . بطوریکه در برنامه چهارم توسعه نیز مقرر شده است که با اختصاص بودجه به امر پژوهش به اشتغال زایی نیز منجر شود .

-در برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی به رونق نظام پژوهش و فناوری توجه مطلوبی صورت گرفته است تا بتواند در قالب اقدامات زیر ساماندهی شود:

* «انجام پژوهش های کاربردی؛

* نوسازی شیوه های مدیریت بخش پژوهش؛

* توسعه مرزهای دانش؛

* انتقال و جذب فناوری؛

* پژوهش به منظور افزایش توان رقابتی بخشهای تولیدی و خدماتی کشور؛

* تربیت نیروی انسانی روز آمد در فرآیند پژوهش و فناوری؛

* تبدیل ایده به محصولات و روشهای جدید

* تدوین و تولید دانش فنی و انجام تحقیقات نیمه صنعتی (محنایی: ۱۳۸۴، ص ۴۲).

- ارتقای فضای علمی جامعه و خروج از روحیه عاداتی و ایستایی تا بتواند با پویایی و عقلانیت عجين شود.

- تقویت روحیه پژوهش محوری و علم باوری

- ارتقای کیفیت تصمیم گیری مدیران و مسئولان خرد و کلان جامعه

- کاهش شکاف بین سیاست گذاران و تصمیم سازان جامعه با پژوهشگران به شرط کار بردی شدن نتایج تحقیقات و باور به امر پژوهش

- استاندارد سازی در اصول کیفی و کمی تحقیقات در صورت تنظیم نظام جامع پژوهشی

- تقویت روحیه جمع گرایی و کار گروهی

- ارتقای منزلت محققان و قوت بخشیدن به روحیه علمی و موشکافانه

- شکل گیری نشست ها، همایش ها، سمینار های علمی و پژوهشی به منظور تحلیل، نقد و ارائه راهکارهای کاربردی و نوین

- ارتقای روحیه خود باوری در بین محققان

- تحمل انتقاد و نقادی در جامعه و در بین سطوح مدیریتی

- باور به نقش تحقیقات در زندگی امروز و دوری از احساسات هیجانی

اما چنانچه تحقیقات از بستر مناسبی برخوردار نباشد و موانع باز دارنده از پیش پای آنها بر داشته نشود نه تنها منجر به ارتقای کیفیت و کارکرد مثبت تحقیقات در جامعه نمی شود، بلکه به رشد فضای مسموم در جامعه علمی نیز می انجامد که از آن جمله می توان به:

- کمیت گرایی در تحقیق و ابزاری شدن آن
- ضعف در فضای علمی کشور و فقدان گفتمان مبتنی بر دانش
- غلبه رابطه محوری بر ضابطه و گریز از قانونمندی در واحد تحقیقات
- عملیاتی و کاربردی نشدن تحقیقات
- رشد لوکس گرایی تحقیقات و غلبه آمار و تعداد پژوهش ها بر محتوا و کیفیت آنها
- تضعیف جایگاه تحقیقات در برنامه ریزی های توسعه
- عدم باور به امر پژوهش و جدایی از روحیه پژوهش محوری
- گسترش تحقیقات سفارشی و اسراف بودجه تحقیقاتی
- بی اعتنای نسبت به نتایج تحقیقات و کاهش اعتبار محققان.

عملکرد تحقیقات در ایران

از آنجاییکه با شناخت ضرورت ها به امر پژوهش در ایران پرداخته نمی شود در عمل نیز رجوع مطلوبی به آن نمی شود چون در اساس باورپذیری نسبت به تحقیقات ضعیف است و در اذهان افراد معتقدند که مرور زمان خود مسئله را حل خواهد کرد که این خود منجر به نهادینه شدن موانع و تنگناها در جامعه می شود.

تحقیقات بیشتر به صورت یک کالای ویتروینی و لوکس مدنظر قرار می گیرد و این امر ناشی از غفلت و بی توجهی مدیران و شکاف میان محققان و مسئولان، همچنین توسعه نیافتگی تحقیقات اجتماعی در ایران می باشد که به ساختار و کارکرد نظام اجتماعی ایران بر می گردد.

در سازمانها و نهادهایی که متولی امور و مسایل مختلف جامعه می باشند نیز این بی توجهی به پژوهش نمایان است که همگی اگرچه بخشی به نام تحقیقات را در اختیار دارند اما در عمل نتایج پژوهش ها را کمتر به صورت کاربردی و عملیاتی مورد استفاده قرار می دهند.

مدارس و تفکر پژوهشی

آموزش و پرورش فعالیتی مداوم، جامع برای رشد و تکامل انسان و غنای فرهنگ و تعالی جامعه تعریف شده است و همواره کارکرد و عملکرد آن مورد بحث اندیشمندان قرار گرفته است. مطالعات سونیلسون، ادینگ و الوین (۱۹۶۱) که در مورد ۲۲ کشور انجام داده اند نشانگر آن است که بین رشد اقتصادی و توسعه آموزش و پژوهش، همبستگی و رابطه مستقیمی وجود دارد. یکی دیگر از مطالعات تطبیقی، تحقیق هاریسون و مایرز (۱۹۶۴) در ۷۵ کشور جهان بوده است که نتایج حاصله نشانگر آن است که رشد و توسعه اقتصادی به منابع نیروی انسانی کارآمد و متخصص نیاز دارد که از طریق آموزش و پرورش بخصوص در مدارس و دانشگاهها تامین می گردد. سلو (Solow) در تحقیقات خود در آمریکا ۱۹۴۹ دریافت که ۵/۸۵ درصد ازدیاد بازده سرانه، معلول پیشرفت دانش و تکنولوژی است (ملکی، ۱۳۸۲).

بنابراین رسالت آموزش و پرورش تربیت نیروی انسانی کارآمد و کارآفرین است که بتواند به صورت هدفمند با کسب مهارتهای لازم، مشاغل جدید را به تناسب نیاز جامعه خلق و عمل کند بنابراین ضرورت برنامه ریزی در نظام آموزشی می بایست مبتنی بر پرورش خلاقیت و تفکر پژوهشی صورت گیرد تا بتواند در زیر ساخت توسعه کشور مثمرتر واقع گردد.

از سویی دیگر، اجتماعی شدن فرآیندی است که به وسیله آن، از طریق تماس با انسانهای دیگر، کودک ناتوان به تدریج به انسانی آگاه، دانا و ماهر در شیوه های رفتار ویژه فرهنگ و محیط معینی تبدیل می شود و در سراسر دور زندگی ادامه دارد بطوریکه در هر مرحله مشخص زندگی مراحل انتقالی وجود دارند که می بایست طی شوند یا بحرانهایی که می بایست بر آنها غلبه کرد. عوامل اجتماعی شدن زمینه ها و گروههای ساختارمندند که فرایندهای مهم اجتماعی شدن در درون آنها رخ می دهد. در همه فرهنگها، خانواده اولین و اصلی ترین عامل اجتماعی کردن کودک در دوران طفولیت است. اما همزمان با رشد یافتگی روزافزون انسان عوامل مهم دیگری چون گروه همسالان، مدارس و رسانه های همگانی را تجربه می نماید که نقش مهمی در اجتماعی شدن دارند (گیدنز، ۱۳۷۹، صص ۱۱۴-۱۱۵).

مدارس در تشکیل شخصیت فردی و اجتماعی دانش آموزان نقش عمده ای را ایفا می کند. آموزش در مدرسه یک فرایند رسمی است، یک برنامه معین از دروسی که باید یاد گرفته شوند وجود دارند. با وجود این مدارس از جنبه های ظریف تری در عوامل اجتماعی شدن نیز دخیل

هستند. در کنار برنامه آموزش رسمی چیزی که بعضی از جامعه شناسان آن را برنامه آموزشی پنهان نامیده اند وجود دارد که یادگیری کودکان را مشروط می سازد و مجموعه ای از رفتارها و نگرش ها را در دانش آموزان شکل می دهد (همان، ص ۱۰۵).

دانش آموزان آینده شغلی خود را در مدارس و منتج از آموخته ها، علایق و شرایط محیطی خود در ذهن مجسم می سازند و چنانچه در مدرسه تنها بر آموزش - محوری تاکید شود طبیعی است که پژوهش و خلاقیت در زندگی آنها از حداقل اهمیت برخوردار خواهد بود.

بنابراین تعریف نشدن تفکر پژوهشی و شناخته نشدن جایگاه محقق در نظام آموزشی و اجرایی کشور موجب افت روحیه پژوهشگری در جامعه می شود. و در این میان آنچه مرهم این زخم دیرین می تواند باشد پرورش خلاقیت، آموزش صورتبندی مسئله و پژوهش محوری در مدارس می تواند باشد تا نسل نوین ایران با فرهنگ تحقیق آشنا شده و تفکر پژوهشی را در جامعه رشد دهد.

جمع بندی و نتیجه گیری

بدون تردید رویکرد مبتنی بر آموزش محوری و به فراموشی سپردن امر پژوهش در مدارس منجر به جامعه پذیری علمی ناکارآمد در جامعه شده است. تکیه بر محفوظات و نمره گرایی و مواجهه دانش آموزان با بار اضافی اطلاعات باعث می شود تا یادگیری توأم با لذت و سرور ناشی از دانایی جای خود را به رخوت دهد و گاهی به تعریف ایلچ به آموزش برنامه های پنهان نیز می توان اشاره نمود که چیزهای بسیاری در آنجا آموخته می شود که هیچ ارتباطی با محتوای رسمی دروس ندارد و به واسطه ماهیت انضباطی و سازماندهی خشکی که دارند به تلقین آنچه که ایلچ آن را مصرف انفعالی می نامد، می انجامد (همان: ۱۰۵).

اما آنچه که می تواند در تغییر شیوه از آموزش به پژوهش محوری مفید واقع شود باور به امر تحقیق و احساس نیاز بدان می باشد چرا که خود پژوهش نیز نیازمند آموزش است و نمی توان صرفاً با تغییر واژگان انتظار معجزه آسایی از سیستم آموزش داشت. در این جا لازم است به اهم فعالیت هایی که آموزش و پرورش در راستای تقویت امر تحقیقات انجام داده است اشاراتی نیز داشت:

۲۰۰..... پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۷

- تاسیس پژوهشکده های آموزش و پرورش : با دو هدف عمده انجام پژوهشهای علمی - آموزشی در زمینه آموزش و پرورش و ارتقای کیفیت آموزش و پرورش کشور
- طرح معلم پژوهنده : به منظور توسعه اندیشه پژوهشگری در بین معلمان و سایر کارکنان ، بهره گیری از تجارب معلمان پژوهنده و ارج نهادن به فعالیتهای تحقیقاتی از سال ۷۵ به اجرا در آمده است .
- پژوهش سرای دانش آموزی : تاسیس آن در سال ۸۲ و از طرف معاون آموزش و پرورش نظری و مهارتی وزارت به کلیه استانها ابلاغ گردید .
- واحد درسی مطالعات پژوهشی: درسی که در مقطع دبیرستان تنظیم شده ولی جز دروس اختیاری محسوب می شود .
- پژوهش دانش آموزی ، اوایل سال ۸۰-۷۹ بخشنامه ای به مدارس ارسال گردید و از دبیران خواسته شد تا نمره تحقیق به عنوان تکلیف درسی مد نظر قرار گیرد (ستایش ، حسن ، سایت آفتاب).
- آنچه باعث شده است تا اتفاق فرخنده توسعه تفکر پژوهشی به تاخیر بیفتد را باید در بستر حیات اجتماعی ایران جست که ارتباط تنگاتنگی با نوع توسعه در ایران دارد . جامعه ایرانی نیاز به تفکر پژوهشی را عمیقا حس نکرده است و آنچه که نظاره گر آن می باشیم حرکتی برون زا و متأثر از نظام جهانی است و تحقیقات بیشتر به عنوان کالای لوکس و ویتروینی در معرض نمایش قرار می گیرد و به صورت آمارهای سازمانی رد و بدل می شود . تحقیقات سفارشی که به ندرت عملیاتی و کاربردی می شوند و پایان نامه ها و تحقیقات فراوانی را می توان به عنوان شاهد مثال قرار داد .
- نهادینه نشدن فرهنگ پژوهش و اندیشه ورزی ، نبود متولی مشخص ، موازی کاری و ضعف اطلاع رسانی از مواردی است که علل آن را می توان در ماهیت نظام اجتماعی ایران و توسعه پیرامونی آن جست .
- بنابراین توسعه ناموزون را باید با توجه به عناصر بنیادی نظام اجتماعی و تاثیر سیستم جهانی مورد بررسی قرار داد .

کشورهایی که از توسعه اقتصادی - اجتماعی موزون و درون زا برخوردار نیستند، با مسائل و معضلات عدیده ای مواجه می شوند. مشکلات جوامع دیگر محدود به محیط داخلی آنها نیست چرا که با تحولات جهانی کشورها از حالت زیست - جزیره ای خارج شده اند و در تعامل با نظام جهانی متاثر از عوامل بیرونی می شوند.

کشورهای توسعه یافته که به توسعه ای ناموزون و برون زا مبتلا نیستند با شناخت نیازها و تقاضاهای انسان و جامعه در تلاشند تا کیفیت زندگی افراد را بالا برده و کلیه نیازهای آنها را مدنظر قرار دهند. بنابراین به منظور ارتقای آگاهی و شناخت معقول به تحقیقات روی می آورند و ضرورت آن را به طور کامل حس می کنند. بدین ترتیب، در طرح ریزی ها و برنامه های توسعه نیز از آن بهره می جویند و نتایج آن را در عمل و به صورت کاربردی پیاده می کنند. از آنجاییکه دانایی عین توانایی است، با شناخت علمی که از راه تحقیق حاصل می شود، جوامع به توانایی و قدرت دست پیدا می کنند و در این زمینه، اقتصاد علمی، خودکفا شده و از حالت مصرفی خارج می شوند. بنابراین در جریان جهانی حرکتی پایدار و متوازن را پیش می گیرند.

قرار گرفتن در مدار توسعه یافتگی و برخورداری از توسعه اقتصادی - اجتماعی موزون و درون زا موجب ارتقای پایگاه تحقیقات می شود و میزان توسعه یافتگی پژوهش، تولید علم و دانش را موجب می شود، تا جاییکه توزیع قدرت نیز در جوامع تابع توزیع دانش و تولید علم در آنها می باشد.

بنابراین به جامعه پذیری علمی و کارآمد و برخاسته از نیاز جامعه خو می کنند و در نحوه اجتماعی شدن در مدارس نیز به آن توجهی مطلوب نشان می دهند.

در جوامع پیرامونی چون ایران علت توسعه نیافتگی پژوهش به طور عام و تحقیقات اجتماعی به طور خاص را باید در ساختار و کارکرد نظام اقتصادی - اجتماعی و ارکان و عناصر بنیادین آنها جستجو نمود بدیهی است که غفلت از آنها می تواند پژوهش را به بیراهه بکشاند و مسئله ای اجتماعی را رقم زند که علاوه بر موارد فوق ناشی از توزیع دانش و قدرت و متاثر از نظام جهانی می باشد.

بنابراین ارتقای فرهنگ پژوهش و جامعه پذیری علمی مجدد می تواند زمینه ساز نیاز به علم شود، همانطور که سقراط هم قرن‌ها پیش از میلاد مسیح بیان کرده است که فقط یک چیز خوب وجود دارد و آن دانش است و در مقابل یک شیطان به نام نادانی.

تقویت نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی از حیث توجه به پژوهش و تحقیق می تواند کارساز باشد. چرا که اگر نتواند اندیشه و شناخت تولید کنند جامعه دچار غفلت ریشه داری خواهد شد چون راه برای تفکر و نقد اندیشه ها هموار نیست.

راهکارها

- رشد انگیزش و خلاقیت در نظام آموزشی به منظور مسئله محور بودن پژوهش به جای موضوع محوری
- تشکیل تیم تخصصی و مشاوره ای پژوهشی و عدم انقطاع علمی و پیوستگی در پژوهش ها .
- افزایش روحیه نقدپذیری و انعطاف پذیری در جامعه و به ویژه در نحوه اجتماعی شدن افراد
- نیاز سنجی قبل از تصمیم ها و تصمیم گیری های مبتنی بر شرایط عینی جامعه .
- ارتباط بین مدیران و محققان و بهره برداری از نتایج تحقیق و نظارت صحیح بر روند تحقیقات
- اطلاع رسانی عمومی شفاف ، مدیریت اطلاعات و ارتباطات در زمینه پژوهش
- ترغیب ارگانها و مؤسسات خصوصی به مشارکت در بخش تحقیقات و جلوگیری از انحصار دولتی آن.
- تخصیص اعتبارات لازم به پژوهش و برنامه ریزی و سازماندهی آن.
- پیگیری و تلاش جهت مأموریت گرا نبودن پژوهش و ویتیرینی نشدن آن.
- تقویت جمع گرایی و مشارکت گروهی و رقابت سازنده و سالم که خود منجر به پویای جمعی و گروهی می شود.
- شناخت فرصتها و استفاده مناسب از آنها در عرصه داخلی و بین المللی .
- اعتقاد به اندیشه ورزی و ارتقای باورهای علمی.
- مدیریت توسعه علمی در کشور و شکل گیری یک متولی خاص که عهده دار امور پژوهشی باشد.
- جلوگیری از پراکنده کاری در پژوهش و اجرای یک نظام جامع پژوهش شفاف و پویا.
- پرهیز از شعار گرایی و دوری از حرکت های موقت و سطحی در ارتقای وضعیت تحقیق و پژوهش.
- شناخت دنیای علمی جهان و گسترش ارتباط با مؤسسه های پژوهشی مطرح در عرصه بین المللی.

منابع

جهانبخش، اسماعیل (۱۳۸۵). **بررسی وضعیت تحقیقات اجتماعی در دانشگاه های کشور**. فسنامه علوم اجتماعی اراک

نگاهی به موانع و کاستی های توسعه تفکر پژوهشی در مدارس ۲۰۳

رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۱). **موانع رشد علمی ایران و راه حل های آن**. تهران: شرکت سهامی انتشار،
سماعی نژاد، سحر (۱۳۸۴). آمار علیه علم، گزارشی از پاره ای مطالعات در خصوص وضعیت دانشگاه های ایران،
خردنامه همشهری شماره ۷۹.

سیف الهی، سیف الله (۱۳۷۴). **اقتصاد سیاسی ایران، مجموعه مقاله ها و نظرها**. تهران: پژوهشکده جامعه
پژوهشی و برنامه ریزی میزان،

_____ (۱۳۸۱). **جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران**. تهران: موسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا،
محسنی، منوچهر؛ و مسعود کوثری (۱۳۷۸). **وضعیت تحقیقات اجتماعی - فرهنگی در ایران**. تهران: نشر
رسانش،

طایفی، علی (۱۳۷۱). **«تحول فرهنگی در آموزش منابع انسانی»**. نشریه فرهنگ و توسعه. شماره ۱۷.

طایفی، علی (۱۳۷۱). «موانع فرهنگی توسعه در ایران». سفارش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۷.
گزارش تنگناهای مشارکت بخش غیر دولتی در تحقیقات کشور (۱۳۸۱). "مصاحبه با دکتر سیف الله سیف الهی".
نشریه رهیافت، شماره ۲۷.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). **جامعه شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشرنی،

لهسایی زاده؛ و مهدی، علی اکبر (۱۳۷۴). **جامعه شناسی در ایران**. تهران: توسعه،

محسنی، منوچهر (۱۳۷۵). **مبانی جامعه شناسی علم**. تهران: نشرطهوری،

منصوری، رضا (۱۳۷۶). موانع فرهنگی توسعه: گره ها و رگه ها. **نشریه رهیافت**. شماره ۱۶.

محنایی، مجید (۱۳۸۴). جایگاه علم و تحقیق و رویکرد برنامه چهارم توسعه به مقوله پژوهش. **فصلنامه آوای دنیا**.
شماره ۱۷،

نراقی، احمد (۱۳۷۹). احسان، نظری به تحقیقات اجتماعی در ایران. تهران: سخن،

نوری دلویی، محمدرضا (۱۳۸۴). "نگاهی به آسیب شناسی توسعه علمی در کشور". **روزنامه شرق**،

نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹). **صورتبندی مدرنیته و پست مدرنیته**. تهران: انتشارات نقش جهان،

هنته، بروژن (۱۳۸۱). **تنوری توسعه و سه جهان**. ترجمه احمد موثقی. تهران: قومس،

پرتال جامع علوم انسانی